

کشتی گيله مردی؛ ورزش کهن در گیلان

آزاده ربیعی*

چکیده

ایرانیان از دیرباز برای افزایش سطح آسایش عمومی، آمادگی برای تقابل با عوامل برهم‌زننده امنیت، گذران اوقات فراغت و گاه به منظور رونق‌بخشی به محافل و مجالس، همواره به مردان ورزیده و هم‌اوردطلب نیاز داشتند که این امر موجب پدید آمدن کشتی‌های مختلف در اغلب مناطق ایران شد. کشتی گيله مردی از کشتی‌های کهن مناطق شمالی است که قدمت آن به حدود قرن چهارم می‌رسد. این کشتی در جشن‌هایی مانند جشن خرمن، نوروز گیلانی، مراسم عروسی و سایر جشن‌ها برپا می‌شد. ورزش‌های بومی و کهن عناصر فرهنگی مختلفی دارند که بازنمایی آنها در برنامه‌های مختلف بویژه برنامه‌های ورزشی از جذابیت بسیاری برخوردار است. همچنین می‌توان از آنها در تولید برنامه‌های مستند ورزشی و نمایشی نیز بهره‌گیری کرد.

کلیدواژه‌ها: ورزش محلی، کشتی محلی، کشتی گیلان، کشتی گيله مردی،

لاسپاره

* کارشناسی ارشد مردم‌شناسی و پژوهشگر علوم اجتماعی

مقدمه

امروزه ورزش و نقش آن بر حیات انسانی بر کسی پوشیده نیست. گرایش به ورزش و انجام بازی‌های مختلف به دلیل نیاز انسان به سلامت و شادابی، از دیرباز وجود داشته است. همچنین برخی بازی‌ها و ورزش‌ها به دلیل داشتن آثار مختلف اجتماعی، از پایگاه مردمی خاص برخوردارند. یکی از این ورزش‌ها، کشتی است که ریشه در تاریخ و تمدن ایران دارد و بخش مهمی از هویت فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد. در باب وجه تسمیه این واژه می‌گویند، زرتشتیان هنگام غروب آفتاب کمربندی به کمر خود می‌بستند و دعا می‌کردند، آن کمربند، «کشتی» نامیده می‌شد. کشتی از همین کلمه «کمر یکدیگر را گرفتن» آمده است. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد سرزمین ایران مهد اولیه کشتی به شمار می‌رفته و در اغلب مناطق این نوع هم‌اوردی رایج بوده است. اسناد به‌جامانده تاریخی نشان می‌دهند که کشتی در دوران صفویه و زندیه رونق زیادی در ایران داشت و در دوران قاجاریه علاقه به این ورزش چنان زیاد شد که در دوران ناصرالدین شاه، شخصی به نام «صاحب‌الدوله» مأمور توسعه ورزش کشتی شد؛ او در تمامی روزهای تعطیل، پهلوانان را در میادین شهر گرد می‌آورد تا با یکدیگر کشتی بگیرند. (نک: ویکی‌پدیا ذیل کشتی در ایران)

آنچه بیش از هر چیز، بر ورزش کشتی، در سرتاسر ایران حکمفرما بوده، نه صرفاً جنبه بدنی و ورزشی آن، بلکه بیشتر روح جوانمردی و سلحشوری و به دست آوردن آمادگی بدنی در مقابل حوادث گوناگون از جمله جنگ‌های تن به تن و دفاع از کیان و ایستادگی در مقابل زورمندان بوده است. به همین دلیل

کشتی گیله‌مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۸۱

وجه پهلوانی و جوانمردی به ورزش کشتی راه یافت و آن را از فعالیت صرف ورزشی خارج ساخت.

مقاله حاضر از پژوهش «کشتی‌های محلی ایران» احصا شده و به روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده است. برای گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. مقاله در پاسخ به چگونگی انجام کشتی گیله‌مردی و آداب و سنن مرتبط با آن، نحوه اجرا، آداب و رسوم، فنون، قوانین و مقررات و جوایز کشتی گیله‌مردی تدوین یافته است.

گیلان؛ خاستگاه کشتی گیله‌مردی

سرزمین گیلان از دوران پیش از تاریخ تاکنون زیستگاه اقوام مختلفی بوده است. اگرچه پیشینه جایگیری نخستین گروه‌های انسانی در گیلان را به طور دقیق نمی‌توان مشخص ساخت، اما براساس کشفیات باستان‌شناسان، در مناطق مختلف گیلان، از هزاره چهارم پیش از میلاد مردمانی در این ناحیه به کار زراعت و اهلی کردن حیوان اشتغال داشتند. با شکل‌گیری و پیدا شدن نخستین هسته‌های نژادی و قومی، اقوام و تیره‌های مختلفی در گیلان پدیدار شدند که از میان آنها نام و خاطره چند قوم در صفحات تاریخ به یادگار مانده است. اقوامی که در دوره پیش از تاریخ و دوره باستان در گیلان می‌زیستند، عبارت‌اند از: قوم کاس، کادوس، دربیک، سکا، آمارد، دیلم، تالش، گیل، گالش، تات و ترک (فاخته، ۱۳۸۷: ۴۳-۲۶). از دوره ساسانیان نیز آیین زرتشتی در میان گیلانیان نفوذ و گسترش یافت.

گیلانیان به زبان‌های گوناگونی سخن می‌گویند که عمده آنها زبان گیلکی (گیلکی شهر رشت، گیلکی مرکز و غرب گیلان یا بیه‌پَس)، گیلکی شرق

گیلان (بیه پیش)، گالش (بیه پیش) و گیلکی رودبار است. در کنار گیلکی زبان‌های دیگری مانند تالشی، ترکی، تاتی، کردی، لری و ارمنی نیز در میان اقوام ساکن در گیلان تکلم می‌شود.

تعریف کشتی

کشتی ورزشی دو نفره است و هدف از آن بر زمین زدن و به پشت خواباندن یکی به وسیله دیگری است. فرهنگ معین، آن را تلاش و کوشش جسمی یا ذهنی بسیار سخت دانسته و کمر بند و زنار را مترادف آن معنا کرده است (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه کشتی). ورزش کشتی عبارت است از فعالیت طرفین همراه با رد و بدل شدن فنون که سرانجام به نفع یکی به پایان می‌رسد.

ریشه واژه کشتی، لغت کُستی با ضمه یا حرکت پیش‌واج یا صرف گاف بوده و از زبان اوستایی اخذ شده و به معنای کمر بندی از ۷۲ رشته پشم گوسفندی است که عدد هفتاد و دو بر مبنای هفتاد و دو فصل از فصول ادعیه یا دعا‌های مزدیسنا در کتاب مقدس «اوستا» بوده است. این لغت، بعدها با «شین» تلفظ گردید و تبدیل به کلمه کشتی شد. (پایگاه اطلاع‌رسانی راسخون)

تاریخچه کشتی گیله مردی

کشتی گیله مردی از ورزش‌های باستانی گیلان است که پیشینه آن به قرن چهارم هجری می‌رسد.

ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی در «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» در قرن چهارم هجری می‌نویسد: «ایشان (گیلکان) در آن دشت هفته بازارها دارند؛

کشتی گیله‌مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۸۳

برای هر دیه یک روز نهاده‌اند. پس از پایان بازار، زنان و مردان به جایگاه کشتی گرفتن (کشتیگیران) روند. داور در آنجا بر نشسته، طنابی بدست گرفته، هرکس پیروز شود گره‌ای بر آن می‌بندد» (پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل ورزش و جوانان استان گیلان). همچنین در کتاب «گیلان و دیلمستان» آمده است: «چنانچه رسم مردم دیلم است که جوانان روغن بر خود بمالند و فراغت می‌جویند و غذاهای لذیذ می‌نوشند؛ از گوشت و روغن و عسل و مثل هذا تا قوی گردند و زور زیاده شوند تا چون با دیگری درآویزند کشتی گیرند، مقاومت توانند کرد و آن را داشت می‌نامند». (همان)

کشتی گیله‌مردی را در گذشته «موشتی کشتی» (کشتی همراه با ضربات مشت) می‌نامیدند و این از ویژگی‌های این رزم سنتی بود که نبرد تن به تن را بدون توسل به سلاح سرد به جوانان می‌آموختند.

زمان برگزاری این کشتی همچنان که از اسناد برمی‌آید، هنگام برپایی هفته بازارها و به صورت دوره‌ای بوده است. با توجه به بازارهای روز در گیلان که در تمام روزهای هفته به صورت دوره‌ای در نقاط مختلف گیلان برپا می‌شد، کشتی گیله‌مردی نیز به طور مکرر در حاشیه این بازارها برگزار می‌گردید و جوانان قدرتمند در آنها به هنرنمایی می‌پرداختند. در حقیقت این کشتی گرفتن‌های مکرر تمرینی برای آنان بوده است تا خود را آماده مسابقات سالیانه کشتی گیله‌مردی کنند که آغاز آن از زمان خوشه برآوردن شالیزارها و تا مدتی پس از درو بود. (نواییان، مصاحبه، ۱۳۹۲)

کشتی گیله‌مردی در دو سبک متفاوت برگزار می‌شود: «زدنی» و «غیرزدنی». در سبک «زدنی»، کشتی‌گیران مجاز هستند با مشت بر سر و بدن حریف ضربه بزنند یا با پشت دست روی صورت حریف بکوبند. حریفان در این سبک

مبارزه، حق ندارند به همدیگر چنگ بزنند، وقتی هم گلاویز شدند، دیگر حق استفاده از فنون ضربه را ندارند، ولی به محض اینکه از گلاویز شدن خارج شوند، طرفین می‌توانند ضربه بزنند. گاهی شدت فنون موجب ایجاد آسیب‌هایی مانند شکستگی بینی، دندان، استخوان صورت، فک، پاره شدن ابروها و حتی بیهوشی می‌شود. در روش «غیر زدنی» دو حریف فقط اقدام به گلاویز شدن و اجرای فنون می‌کنند. کشتی «گیله‌مردی» از جمله مسابقات سنتی است که از گذشته در بسیاری از مناطق گیلان و بخش‌های غربی مازندران برگزار می‌شود و آن را گاهی «رزم گیلما» می‌خوانند.

لباس مخصوص

کشتی‌گیران هنگام مبارزه از شلوار مخصوصی به نام «لاسپاره» استفاده می‌کنند که از پارچه‌های زبر و کلفت تهیه می‌شود و روی پارچه شلوار، با نخ‌هایی از ابریشم خام قلاب‌دوزی می‌شود. این شلوار که تا زانو و قوزک پا را می‌پوشاند، تنگ است و به بدن می‌چسبد و در عین حال آن را با بندی به عقب پا می‌بندند.

واژه لاسپاره از کلمه «لاس» که نام حیوانی پستاندار و زیستگاه آن اغلب در جوار شالیزار است، گرفته شده است. قبل از پیدایش پارچه، کشاورزان از پوست این حیوان برای پوشش پاهای خود در شالیزار استفاده می‌کردند. رزمی‌کاران «گیلما» نیز از پوست همین حیوان برای پوشش نیم‌تنه پایین خود در هنگام مبارزات رزم گیلما یا کشتی گیله‌مردی استفاده می‌کردند که از آن زمان تاکنون نام «لاسپاره» برای شلوار رزمی‌کار گیلما باقی مانده است.

کشتی گیله‌مردی علاوه بر گیلان در تنکابن مازندران نیز رواج دارد. در آنجا به شلوار کشتی گیله‌مردی چارنلی شلوار (meli k̄ar) می‌گویند که

بیشتر کشتی‌گیران از نوع بندنی (bandani) آن استفاده می‌کردند و هیچ کشتی‌گیری راضی نمی‌شد از شلوار پولکی یا پولکی شلوار (pulaki k̄ar) به معنی شلوار دارای دکمه و کمر بند استفاده کند. بندنی شلوار دارای سه دکمه در دم پا بود و آن‌گاه که کشتی‌گیر می‌خواست شلوار بپوشد، آن دکمه‌ها را باز می‌کرد تا پا به راحتی در دمپا جای گیرد. در این نوع شلوار، به جای کمر بند بیشتر از بندهای ابریشمی استفاده می‌کردند و آن را مانند ریسمان می‌بافتند که به جای کش استفاده می‌شد. کشتی‌گیران معمولاً از سه نوع بند شلوار استفاده می‌کردند: «قیطانی»، «پنبه‌ای»، «کچی» (ka i) که کچی محکم‌تر از بقیه بود. چارنلی شلوار به علت اینکه محکم و چسبان بود، بیشتر مورد قبول کشتی‌گیران واقع می‌شد؛ زیرا دست حریف مقابل، به شلوار بند نمی‌گردید یا به اصطلاح گیر نمی‌کرد و کشتی‌گیر آزادانه می‌توانست کشتی بگیرد.

زمان و مکان برگزاری کشتی

در رودسر، در شب‌های تابستان تعدادی دستمال یا پارچه به رنگ‌های مختلف روی یک چوب چند متری یا یک شاخه درخت آویزان می‌کردند. سپس به چند نفر می‌گفتند که فلان شب در این مکان کشتی اجرا می‌شود. این سخن زبان به زبان می‌چرخید و همه مطلع می‌شدند. (عباسی، رودسر، ۱۳۴۱)

در مجموع، کشتی در مراسم غروسی، جشن‌های خرمن، شیلان‌کشی‌ها، اعیاد رسمی، پذیرایی از پادشاهان، امیران، خان‌ها و سفیران برپا می‌شد. البته در اغلب موارد، برگزاری این نوع کشتی، روز و زمان مشخصی نداشت و معمولاً کشتی‌گیران هر محل، با نظر سرپهلوان تصمیم به زورآزمایی می‌گرفتند. مکان

کشتی نیز معمولاً در محوطه‌های باز و وسیع انجام می‌پذیرفت. همچنین میدانگاه‌های محلات و روستاها مکان مناسبی برای برپایی این سنت دیرینه بود.



اجرای کشتی

پس از مشخص شدن زمان و مکان برپایی کشتی، کشتی‌گیران و مردم جمع می‌شدند. کشتی‌گیران اغلب بصورت گروهی وارد میدان می‌شدند و «لاسه‌پاره» (شلوار چسبان سیاه‌رنگ) می‌پوشیدند که نشانه آمادگی شان برای گرفتن کشتی و نوعی حریف طلبیدن بود. معمولاً هر گروهی یک بزرگ‌تر یا میدان‌دار داشت که «آیین نیایش» را برگزار می‌کرد. این آیین به این صورت برگزار می‌شد که فرد میدان‌دار ابتدا رو به جنوب (قبله) می‌پرید تا آمادگی جسمانی خود را نشان دهد. در این حرکت سعی می‌کرد پاها را به دست‌ها نزدیک کند. سپس رو به شرق (مرقد امام رضا علیه السلام) می‌پرید و ادای احترام می‌کرد. معمولاً بقیه گروه هم این حرکات را تکرار می‌کردند.

پس از اتمام حرکات افراد گروه، میدان‌دار با کسب رخصت از بزرگان، با گروه خود به گوشه‌ای از میدان کشتی می‌رفت و می‌نشست. این آیین از سوی همه کشتی‌گیران، حتی سرپهلوان اجرا می‌شد. تماشاچیان دایره‌وار دور میدان بازی می‌نشستند و یک نفر صف‌دار (مسئول نظم) در حالی که چوبی به دست داشت، در وسط میدان می‌ایستاد. بازیکنان در صف دست همدیگر را می‌گرفتند، به جلو می‌رفتند و ادای احترام می‌کردند؛ به این صورت که خم می‌شدند و انگشت شست را روی انگشتان پا می‌گذاشتند و در حالی که بلند می‌شدند، همان دست را روی پیشانی می‌نهادند و برمی‌داشتند (این عمل را دو بار انجام می‌دادند). هر بازیکن پس از ادای احترام به انتهای صف می‌رفت. سپس دوباره هر یک از بازیکنان به طرف جلو می‌رفتند و می‌پریدند که به این عمل «واز» گفته می‌شود. پس از این تشریفات هر یک به جای خویش بازمی‌گشت و منتظر نبرد می‌شد. بدین صورت که ابتدا یکی از افراد به میدان می‌آمد و قدم می‌زد، در این هنگام حریف او هم وارد میدان می‌شد. سپس دو نفر در حالی که دست یکدیگر را گرفته بودند، چند قدم برمی‌داشتند و رو به روی هم می‌ایستادند. آن‌گاه یکی از این روش‌ها را به کار می‌بردند:

۱. آن قدر یکدیگر را می‌زدند تا موفق به گرفتن دست یکدیگر شوند.
۲. دو بازیکن به آرامی دست یکدیگر را می‌گرفتند و تلاش می‌کردند تا کمر، پا و بالاخره جایی از بدن یکدیگر را بگیرند و حریف را بر زمین بزنند. کشتی‌گیران چندین بار از هم جدا می‌شدند و دوباره به یکدیگر هجوم می‌آوردند و هر بار برای اینکه دستشان خیس نباشد، دست را به زمین می‌زدند و با خاک خشک می‌کردند و اگر از نظر قدرت جسمانی با هم برابر بودند، آن قدر به تلاش خویش ادامه می‌دادند تا یک نفر پیروز می‌شد. مرد برنده به

سرعت پیشانی شخص بازنده را می‌بوسید و به طرف مردم جست می‌زد که به اصطلاح محلی گفته می‌شد: «واز می‌کند». آن گاه دستش را به طرف مردم دراز می‌کرد و تماشاچیان هم با میل و رغبت به او انعام می‌دادند.

در بیشتر مواقع، کشتی گیله‌مردی در هر نوبت مسابقه با کشتی نوچه‌های^۱ هر محله آغاز می‌شد و نوجوانان تازه‌کاری که آرزوی پهلوان شدن داشتند، در حالی که خم می‌شدند با دست زدن زیر پای نوجوان دیگری، او را دعوت به هماوردی می‌کردند. اگر پهلوان تازه‌کار حریف را می‌پسندید، او هم دست می‌زد. آن گاه دو نفر دست در دست هم یکی دو بار، در شرق و غرب میدان حرکت می‌کردند. به این معنی که همراه و هماورد هستیم. پس از آن، یکی دو نفر با برهم زدن دست، آغاز کشتی را اعلام می‌کردند و نفر دیگر به همان ترتیب پاسخ مثبت می‌داد. دو هماورد گارد می‌گرفتند، پای راست جلو و دست چپ مقابل سینه (سپر) و دست راست متحرک و آماده زدن، به جلو و عقب حرکت داده می‌شد که به آن وج کودن (vaj kudan) می‌گفتند. هر دو با چنین گاردی آماده حمله می‌شدند. ضربه زدن با مشت از ویژگی‌های این کشتی بود که گاه برای نوجوانان ممنوع بود.

در مبارزه کشتی گیله‌مردی دو کشتی‌گیر به موازات هم در میدان، گام‌هایی به سمت جلو برمی‌داشتند و سپس به عقب می‌رفتند که به این کار «فامج» (fâmaj) می‌گفتند؛ سپس دو پهلوان در مقابل هم قرار می‌گرفتند و در حالی که دست‌هایشان را به زانوان خود تکیه داده بودند، به چشمان یکدیگر نگاه می‌کردند و با مشت‌های بسته همدیگر را به مبارزه می‌طلبیدند. پس از به مبارزه طلبیدن که سه بار تکرار می‌شد، کشتی‌گیران با هم دست و پنجه نرم

۱. در اصطلاح محلی تونگوله‌ها

می‌کردند. کشتی‌گیر زمانی بازنده می‌شد که یکی از اعضای بدنش به استثنای پاهایش به زمین می‌رسید.

کشتی‌گیران مبارز، با مشت و پا یکدیگر را می‌زدند و سعی می‌کردند حریف خود را مغلوب کنند. کشتی‌گیر بازنده پس از پوشیدن نیم‌تنه خود به تماشاچیان ملحق می‌شد و اجازه نداشت به دسته کشتی‌گیران بپیوندد. از سوی دیگر، دوستان پهلوان پیروز وارد میدان می‌شدند و پیشانی دوست برنده خود را می‌بوسیدند و عده‌ای هم برای ابراز خوشحالی کلاه‌های خود را به هوا پرتاب می‌کردند و چماق‌هایشان را به هم می‌کوبیدند. سپس اعضای گروه هر منطقه، در صفی منظم به ترتیب نام‌آوری و آوازه‌شان قرار می‌گرفتند و در گوشه‌ای از میدان که اطرافش را چند ردیف ریسمان کشیده بودند، آماده می‌نشستند تا زمانی که همه کشتی‌گیرانی که باید در یک شب مصاف دهند، حاضر شوند.

گروه‌های منطقه‌ای به ترتیبی که میان‌دار (میدان‌دار) تعیین می‌کرد، وارد میدان می‌شدند و یکی دو بار و گاه تا شش بار در میدان با نوای ساز نقاره به سوی شرق و غرب می‌رفتند. هر بار به هنگام بازگشت به جایگاه اولیه، پای راست را از زانو خم می‌کردند و بالا می‌آوردند و نوک انگشت را می‌بوسیدند. بعد از آن به سوی جنوب، جست می‌زدند و در جای خود مستقر می‌شدند و نشان می‌دادند که همه آماده‌اند تا در صورت یافتن هم‌آورد وارد میدان شوند و کشتی بگیرند. در واقع، لاسپاره پوشیدن بدون عریان شدن به معنای حضور در میدان مبارزه است، اما کندن پیراهن نشانه کشتی گرفتن در میدان و هم‌آورد طلبیدن است.

فنون کشتی گیله‌مردی

سرفوکش (sarfuko)، واوز مشت، جگردان، دورنی زدن، جی‌ویشتن، پابوزجیره، پابوزگیره، لنگ ارکان (lang orkân)، دو باریک بال، اله خوری (ale xorey)، چک زدن، مشت زدن یا سزن (sazan)، بزن (bazan)، دست به چکره (kareh)، ایپیچ، پس گام و یک خم از فنون کشتی گیله‌مردی به شمار می‌روند.

در این هم‌وردی، هر چند فنون مختلف به کار گرفته می‌شود، به هم پیچیدن دو پهلوان، برای آنکه قوی‌تر بتواند حریف را بر سر دست بلند کند و بر زمین بزند، از همه تماشایی‌تر است. این فن به صورت پیوسته به نتیجه می‌رسد و کافی است که پهلوان ربوده شده، در هنگام پایین آمدن نتواند تعادل خود را حفظ کند و در نتیجه دستش به زمین برخورد کند که در این حالت بازنده محسوب می‌شود. در این درگیری و به هنگام مشت پراندن بسیاری از حرکات هم ممنوع است و در صورت ارتکاب، نفر مقابل بلافاصله دو دست را برهم می‌زند، استراحت می‌طلبد و به داوری که در میانه ایستاده و متوجه خطا نشده است، تذکر می‌دهد. این درخواست فرصت، در هر لحظه از درگیری و حتی زمانی که دو حریف در هم پیچیده‌اند، آزاد است. هر یک از دو پهلوان حتی زمانی که سرگرم مشت زدن به هم هستند، اگر احساس کنند که خطر در کمین آنهاست، می‌توانند فرصت بخواهند. آن‌گاه دوباره دو پهلوان در میدان قدم می‌زنند و حریفی که فرصت خواسته است، برای آغاز هم‌وردی دست می‌زند. از ویژگی‌های دیگر کشتی گیله‌مردی این است که همه کارها در میدان بدون سخن گفتن و فقط با حرکات ویژه انجام می‌شود.

فنونی که پهلوانان هنگام کشتی گرفتن می‌توانند اجرا کنند، بدین قرار است:

۱. ایپیچ: وقتی یکی از دو کشتی‌گیر پای دیگری را بگیرد، فرد گرفتار می‌تواند این فن را اجرا کند؛ در این صورت بلافاصله با دست راست روی صورت حریف را می‌پوشاند و در حالی که سر او را کج می‌کند، با پیچیدن همان پای گرفتار به پای حریف هر دو بر زمین می‌افتند و در نتیجه برنده، پهلوانی است که ابتدا گرفتار شده و با اجرای فن رهایی پیدا کرده است.

۲. دست به چکره: هنگامی که دو پهلوان رو به روی هم نیم‌خیز شده‌اند، یکی از آنها شروع به دویدن می‌کند، آن‌گاه بلافاصله به حریف نزدیک می‌شود و با یک دست، صورت و چشم و با دست دیگری پای او را می‌گیرد که موجب عقب راندن او می‌شود. در نتیجه تعادلش را از دست می‌دهد و بر زمین می‌افتد و فردی که فن مذکور را اجرا کرده، برنده است. (اعلام پایان موقت مبارزه)

۳. مشت زدن یا سَزَن - بَزَن: در این مرحله دو کشتی‌گیر آن‌قدر به یکدیگر مشت می‌زنند تا اینکه یکی از آن دو بیازد. گاهی نیز ممکن است داور، بازیکنان را از این کار منع کند، زیرا بسیار خطرناک است.

۴. چک زدن: زدن سیلی به «سبیل توکی» (sebil tuki) معروف است. هنگامی که دو بازیکن گارد گرفته‌اند، به هم سیلی می‌زنند. سبیل توکی، زدن با نوک انگشت به سبیل یا لب و دهان حریف برای به خشم آوردنش است. در این هنگام، یکی از آنها بلافاصله با زدن پای راست به پای حریف او را بر زمین می‌اندازد.

۵. اله خوری (ale xorey): هنگام گارد گرفتن و زدن سیلی یکی از دو نفر از فرصت استفاده می‌کند، دو پای حریف را جفت می‌کند و به سرعت به طرف عقب می‌اندازد و خود به صورت پل روی او قرار می‌گیرد. این فن شبیه دو خم در کشتی آزاد است.

۶. دو باریک بال: دو پهلوان هنگام گارد گرفتن به همدیگر دست می‌دهند. بعد از دست دادن، یکی از آنها از فرصت استفاده می‌کند و تعادل حریف را بر هم می‌زند و او را بر زمین می‌اندازد.
۷. لنگ اُرکان: هنگام گارد گرفتن یکی از آنها شروع به دویدن می‌کند و بلافاصله به حریف نزدیک می‌شود و پایش را می‌گیرد. طرف مقابل نیز با همان پا و با یک چرخش تقریباً ۹۰ درجه او را بر زمین می‌اندازد.
۸. پابوزجیره یا پاپوزگیره: به معنی گرفتن پاشنه پاست. هنگام گارد گرفتن یکی از دو نفر از موقعیت استفاده می‌کند و پاشنه پای حریف را از عقب می‌گیرد، وی را از جا بلند می‌کند و بر زمین می‌زند.
۹. جی‌ویشتن: در این فن، هنگام گارد گرفتن، سیلی زدن یا مشت زدن اگر تعادل یکی از طرفین به هم بخورد، دیگری سریع با دو دست، پاهای حریف را جفت می‌کند، سپس او را بلند می‌کند و بر زمین می‌اندازد.
۱۰. دورنی زدن: هنگام گارد گرفتن یکی از دو نفر خودش را در آغوش دیگری می‌اندازد و پای راستش را در میان پاهای او قرار می‌دهد و در حالی که پایش را به پای چپ و راست حریف می‌زند، او را بر زمین می‌اندازد.
۱۱. جگردان: هنگام گارد گرفتن یکی از آنها پاهایش را جفت می‌کند و در زیر پای حریف قرار می‌دهد و به این وسیله او را بر زمین می‌اندازد و برنده محسوب می‌شود.
۱۲. سرفوکش (sarfuko): دو پهلوان هنگام گارد گرفتن به هم دست می‌دهند. آن گاه به یکباره و سریع یکی از آن دو نفر که استاد این فن است، با کشیدن دو دست حریف، وی را از جا بلند می‌کند و بر زمین می‌زند.
۱۳. واوز مشت: هنگامی که دو حریف مشغول زورآزمایی هستند، یک مرتبه یکی از طرفین بلافاصله از دیگری جدا می‌شود و شروع به مشت زدن

کشتی گیله‌مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۹۳

به طرف مقابل می‌کند تا اینکه سرانجام یکی از آنها با زدن دو مشت محکم بر دیگری، وی را نقش بر زمین می‌کند.

۱۴. فن سرشاخ: در این فن، دو کشتی‌گیر از ناحیه سر و بازو با یکدیگر گلاویز می‌شوند و هر کس که توانایی بیشتری دارد، حریف خود را مغلوب می‌کند.

۱۵. فن زیرگیری: در این فن، کشتی‌گیر از زیر، با گرفتن پاهای حریف تعادل او را بر هم می‌زند و او را بر زمین می‌اندازد.

۱۶. فن یک خم: پای دیگری را گرفتن.

۱۷. پسا لنگ (pasâ lang): پهلوان، مشت‌ی حواله حریف می‌کند و طرف مقابل برای احتراز از ضربه، جستی به عقب می‌زند. در این هنگام، پهلوانان با ضربه‌ای، به پشت پای حریف می‌زنند.

آداب و رسوم کشتی

کشتی‌گیران پیش از انجام فنون کشتی و در زمین مسابقه، ابتدا حریف می‌طلبند. طلبیدن حریف بدین ترتیب است: کشتی‌گیران هر از چند گاه برمی‌خیزند و در میدان مسابقه به قدم زدن و رجزخوانی برای حریف طلبیدن می‌پردازند تا حریفان برای مبارزه تحریک شوند. در برخی مناطق گیلان به چنین رجزخوانی‌هایی «فوزوما» می‌گویند.

کشتی‌گیرانی که در اطراف میدان نشسته‌اند، هرگاه حریف مناسب خود را در هنگام قدم زدن ببینند، به سرعت برمی‌خیزند و خود را به کنار وی می‌رسانند و با زدن دو دست خود به هم در جلوی حریف، او را به مبارزه دعوت می‌کنند. هرگاه فرد مورد نظر خواهان کشتی با این داوطلب باشد، باید

کف دست‌هایش را نظیر او به همدیگر بزند و گرنه به دلیل اینکه او را در حد خود نمی‌داند، اعلام ناتوانی یا تمایل نداشتن به مبارزه خواهد کرد. در گذشته وقتی پهلوانی در برابر پهلوان دیگر خم می‌شد و دست می‌زد و او را به مبارزه می‌طلبید، اگر پهلوان حریف‌خواه، فرودست بود، نفر مقابل هر دو دستش را بالا می‌برد؛ یعنی من با سرگروه محله شما کشتی می‌گیرم و اگر با دست محکم به پای خود می‌زد، یعنی تو حریف من نیستی، کسی دیگر را انتخاب کن. (نواییان، مصاحبه، ۱۳۹۲)

پیش از شروع مسابقه، با صدای ساز و نقاره، ابتدا همه اهالی محل را خبر می‌کنند و جمعیت بسیاری دور میدان کشتی گرد می‌آیند. آنگاه کشتی‌گیران هر محل در قسمتی از میدان در کنار هم قرار می‌گیرند و زورآزمایی آغاز می‌شود. در تمام این مدت با استفاده از یک آلت موسیقی بادی معروف به ساز که شبیه قره‌نی است، آهنگ‌هایی نواخته می‌شود که علاوه بر تشویق و تقویت روحیه پهلوانان، بر شکوه و رونق این مراسم می‌افزاید. کشتی‌گیران در میدان کشتی در جهت قبله حرکت می‌کنند. آنان با رعایت احترام پهلوانان سالمند، پشت سر هم می‌ایستند و نیم‌تنه‌ای را که بر تن دارند، درمی‌آورند و به نخستین کار این مراسم یعنی جست‌زنی می‌پردازند. به این کار «واز» گفته می‌شود. در کشتی گیله‌مردی جست‌زنی را پیش‌کسوت‌ها آغاز می‌کنند. پای راست را جلو می‌گذارند و پس از برداشتن دو یا سه گام، به هوا می‌جهند و این حرکت را دو بار انجام می‌دهند. سپس پای راست را جلو می‌گذارند و در حالی که خم شده‌اند، دست راست را روی زانوی راست قرار می‌دهند. آنگاه لب‌ها و پیشانی خود را با دست لمس می‌کنند. این عمل را در جهت مرقد امام هشتم علیه السلام و مکه مکرمه انجام می‌دهند. (برونی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

کشتی گیله‌مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۹۵

از دیرباز در استان گیلان پس از برداشت محصول برنج، مراسم جشن و سرور برپا می‌شد و در آن کشتی گیله‌مردی، لافن بازی، ورزا (گاو نر) جنگ و غیره برگزار می‌گردید تا خستگی زحمات روزهای کار از تن بیرون رود. این رقابت‌ها و سرگرمی‌ها با تشریفات خاصی انجام می‌شد که در این میان کشتی گیله‌مردی بسیار پرطرفدار بود.

در گذشته، کشتی‌گیران، روز پیش از مسابقه در خانه کدخدا پذیرایی می‌شدند و محل مسابقه نیز با تنه درخت بی‌برگ حدود یک و نیم متری که دارای پارچه پنبه‌ای بود، مشخص می‌شد. روی این پارچه چهار دستمال الوان، چهار جفت جوراب، پنج یا شش عدد نارنج و برخی اوقات یک کیسه یا کیف ابریشمی پول خرد آویزان می‌کردند.

به این شاخه و وسایل آویخته شده به آن «برم» (baram) می‌گفتند و کار تهیه برم را کدخدا به عهده می‌گرفت، ولی گاهی هم روستاییان برم می‌دادند. برم واژه‌ای گیلکی و به معنی «می‌برم» است (نواییان، مصاحبه، ۱۳۹۲). برم‌ها را هنگام اجرای مراسم کشتی در ایوان خانه کدخدا یا نزدیک‌ترین خانه به میدان کشتی در معرض تماشای روستاییان می‌گذاشتند.

در مسابقات ابتدایی، زدن ساز و نقاره به هنگامی که کشتی‌گیران سرگرم مبارزه بودند، چندان متداول نبود و هر قدر که این مسابقه وارد مراحل مهم‌تر و سخت‌تر می‌شد یا پهلوانان نامی در آن شرکت می‌کردند، نواختن ساز و نقاره بیشتر اهمیت می‌یافت. در موسیقی مقامی (نوایی) گیلان، آهنگی به نام «بگیر لنگا» (لنگش را بگیر) وجود دارد که گویا برای کشتی گیله‌مردی ساخته شده است و در گذشته ساززن‌های بومی آن را می‌نواختند.

در روز کشتی، دو یا سه ساعت بعد از طلوع آفتاب، مردم دسته‌دسته در اطراف میدان کشتی جمع می‌شدند، ساز و نقاره را در یک سوی میدان قرار

می دادند و پهلوانان با شاگردان خود یکی پس از دیگری وارد میدان می شدند. معمولاً کشتی گیران کیسه های کوچک ابریشمی را که در آن دعاهاى مخصوص جای داده شده، به گردن خود می آویختند. ورود کشتی گیران به میدان در جهت قبله و همراه با ساز و نقاره و فریادهای تشویق آمیز تماشاچیان بود. (همان)



اجرای گروه موسیقی سنتی در میدان کشتی

کشتی گیر پس از جست زنی، پای راستش را جلو می گذاشت و درحالی که خم می شد، دست راستش را روی زانوی راست قرار می داد، آن گاه لبها و پیشانی خود را با دست لمس می کرد و بعد از این عمل، جهت خود را به سمت خاور یعنی جهت بارگاه مقدس امام هشتم، حضرت امام رضا علیه السلام برمی گرداند و عمل پیشین را تکرار می کرد و پس از آن این حرکت را در جهت قبله به اجرا درمی آورد. (اسماعیل پور، مصاحبه، ۱۳۹۲)

در این کشتی، پهلوان برنده، مقابل کدخدا جستی می زد و انعام مختصری می گرفت و بعد در برابر سرشناسان منطقه، دوستان و آشنایان خود، سپس تماشاچیان این عمل را تکرار می کرد و انعام می گرفت. پهلوان از آنچه که می گرفت، انعامی هم به ساز و نقاره چی ها می داد و بعد می توانست از میدان خارج شود یا آنجا بماند. ماندن پهلوان در میدان نشانه طلبیدن مبارز دیگری

کشتی گیله مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۹۷

است که اگر مبارزی به میدان نمی‌آید، او می‌توانست همه برمها را به خود اختصاص دهد.



حرکات نمایشی کشتی گیر برنده در مقابل حضار و طرفدارانش برای تشکر و قدردانی از آنها

مراسم با آوردن ساز، سرنا، نقاره‌چی و دعوت کردن پهلوان صاحب‌نام میدان کشتی از پهلوانان نامی همراه با شاگردانشان رونق خاصی پیدا می‌کرد. مدت مسابقه به طور معمول از ۱۰ تا ۱۵ شب کمتر نبود. در شب موعود علاقه‌مندان به این مسابقه با گروه‌های مختلف می‌آمدند و در جایگاه تماشاچیان می‌نشستند و صدای دلنواز ساز، سرنا و نقاره میدان کشتی را آماده پذیرایی از پهلوانان می‌کرد. ابتدا داور وارد میدان می‌شد و در حالی که چوب نازک و بلندی به نام «راکه» در دست داشت، از مشتاقان کشتی می‌خواست که آرام باشند. با اشاره او، صدای سرنا و نقاره‌چی نیز قطع می‌شد. آن گاه ضمن گفتن خیر مقدم به پهلوانان، به معرفی تک تک آنان می‌پرداخت.

قوانین و مقررات کشتی

- کشتی گیله‌مردی را می‌توان ترکیبی از کشتی آزاد، کشتی کج، جودو و بوکس دانست، ولی مقررات خاصی نیز دارد:
- زدن حریف با مشت دَوَرانی مجاز است و زدن مشت از روبه‌رو و مستقیم نظیر ورزش بوکس خطاست.
 - مشت زدن حریف مقابل تا زمانی مجاز است که دو کشتی‌گیر از یکدیگر جدا هستند و به محض اینکه یکی، دیگری را بگیرد، داور، هرگونه مشت زدن را خطا اعلام می‌کند.
 - هر بخشی از بدن حریف مقابل به جز کف پاها اگر با زمین برخورد کند، باعث باخت حریف می‌شود.
 - امروزه معمولاً با پیشنهاد یکی از حریفان، فقط به مبارزه بدون مشت‌زنی مبادرت می‌ورزند، هرچند ممکن است بعضی از کشتی‌گیران پر قدرت از پذیرش چنین شرایطی که از سوی رقیبان به آنها پیشنهاد می‌گردد، سر باز زنند.
 - کشتی‌گیر برنده، مجاز به مسخره کردن حریف مغلوب نیست، بلکه به او کمک می‌کند تا بلند شود و حتی به احترام او، دستانش را به عنوان قهرمان بلند می‌کند.
 - هر یک از پهلوانان برنده در همان روز، دوباره می‌توانند به مبارزه با داوطلبان دیگر بپردازند و به ازای هر دفعه برنده شدن به دریافت جوایز و هدایای نقدی از تماشاچیان و برگزارکنندگان اقدام کنند.
 - پهلوانان در هنگام گرفتن جوهات، بویژه از دست افراد متمول و سرشناس منطقه که جوایز بیشتری اهدا می‌کنند، اقدام به پریدن به سمت بالا می‌کنند و بدین‌گونه قدرت و توانایی خود را نشان می‌دهند.

کشتی گیله مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۹۹

- پهلوانان مغلوب از گردونه مسابقات خارج نمی‌شوند، اما برای همان روز اجازه ندارند دوباره کشتی بگیرند و باید برای روزهای آینده منتظر بمانند. ضربه زدن با مشت به صورت عمودی به سر حریف، انگشت کردن به چشم، ضربه زدن به ساق پا و همچنین ناخن کشیدن به بدن حریف جزو خطاهای کشتی گیله مردی محسوب می‌شود. (پایگاه اطلاع‌رسانی هیئت کشتی گیلان)

جوایز کشتی

جوایز افراد برنده در این ورزش به دو صورت است: الف) ورزشکاران برنده هر مسابقه می‌توانند به سمت تماشاچیان بروند و از آنان وجوه نقدی به عنوان هدیه بگیرند. این مبلغ که تماشاچیان داوطلبانه به برنده هر مسابقه پرداخت می‌کنند، بستگی به توانایی تماشاچی و معروف بودن پهلوان دارد. همچنین بخشی از درآمد حاصل از بلیط‌فروشی مسابقات را برگزارکنندگان به برندگان هر مسابقه به صورت نقدی پرداخت می‌کنند.



جایزه کشتی (گوسفند) به چوبی که در میدان کشتی قرار دارد، بسته شده است.

ب) پهلوانی که بتواند تا پایان مسابقات که معمولاً یک ماه طول می‌کشد، تمامی حریفان را از میدان به در کند، در روز اختتامیه جایزه اصلی مسابقات یعنی «برم» (baram) به وی اهدا می‌گردد. جایزه این مسابقات به صورت غیرنقدی و شامل قواره پارچه، آینه، پیراهن، قوچ، گوسفند، گاو و نظایر آنهاست.



جایزه پیروز میدان کشتی

جمع بندی

ورزش کشتی، نوعی زورآزمایی بدون وسیله است. قدرت، سرعت، شهامت، استقامت، اعتماد به نفس، تناسب اندام، هوش و ذکاوت، عقل و درایت، مدیریت، حافظه، آمادگی و ورزیدگی، تحرک و تلاش، سلامت بدن، سرعت انتقال، قیافه مردانه، غرور و تعصب، شخصیت، ایمان، پاکدامنی و سرانجام عشق به پهلوانی و جوانمردی از ویژگی‌های ورزش کشتی است. کشتی‌های محلی ایران را می‌توان از ابعاد گوناگونی بررسی کرد:

کشتی گیله‌مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۱۰۱

نخست خاستگاه این کشتی‌هاست؛ آمادگی جسمانی و روانی و گذراندن اوقات فراغت از علل پرداختن به کشتی‌های محلی است؛ به گونه‌ای که این کشتی‌ها، اکنون نیز با وجود گذر زمان، همچنان پابرجا هستند و از حمایت عمومی و مردمی برخوردارند.

دوم اینکه در همه کشتی‌های محلی، آیین‌ها و مراسم ویژه‌ای برای شروع، هنگام نبرد و پایان آن برگزار می‌شود که عموماً با باورهای مذهبی و نمادهای خاص منطقه‌ای همراه است. برای مثال، مراسم نیایش کشتی گیله‌مردی که گاه بیش از زمان کشتی دو پهلوان طول می‌کشد.

نکته حایز اهمیت دیگر، نقش حیوان در جوایز است؛ تقریباً در تمام کشتی‌ها به برنده نهایی، به عنوان پهلوان، گوسفند، بز، بره، گاو و حتی اسب جایزه داده می‌شود.

در اغلب کشتی‌های محلی به‌جز گیله‌مردی، دو کشتی‌گیر با هم گلاویز می‌شوند و سپس با اجرای فن یا استفاده از قدرت بدنی، یکی دیگری را بر خاک می‌ساید، اما در کشتی گیله‌مردی، نبرد و زدن سیلی و مشت مقدمه کشتی است و گاه با همین ضربات حریف از پای درمی‌آید و کشتی خاتمه می‌یابد.

هیچ‌یک از کشتی‌های ایرانی جنبه نمایشی یا تفریحی صرف ندارند. به-عبارت دیگر، در همه آنها قدرت بدنی، بهره‌گیری از فنون و تکنیک‌های مبارزه، نقش کلیدی و اصلی را ایفا می‌کنند.

آیین‌های ملی و محلی (جشن‌ها، اعیاد، عروسی‌ها و ...) تقریباً در اجرای همه کشتی‌های ایرانی به‌عنوان عامل زمانی مهم در نظر گرفته می‌شود. در واقع، یکی از زمان‌های مشترک اجرای کشتی‌ها، مراسم، اعیاد ملی و محلی است که

در گرم کردن فضای مهمانی و ایجاد شور و نشاط در افراد بسیار مهم و جدی تلقی می‌شود.

به لحاظ اعلام برنده و بازنده بازی نیز کشتی‌های محلی ایرانی شرایط مشابهی دارند؛ به طوری که در همه آنها خاک کردن حریف، پایان کشتی است، اما در کشتی گیله‌مردی اگر هر قسمت از بدن فرد به جز کف پا، به زمین برخورد کند، او بازنده مسابقه محسوب می‌شود.



کشتی گيله مردی؛ ورزش کهن در گیلان ❖ ۱۰۳

منابع

الف) کتاب

فاخته، قربان (۱۳۸۷). *نگاهی به گیلان زمین*. تهران: انتشارات لوح زرین.

ب) مقاله

برونی، امیرھوشنگ (۱۳۸۹). «آداب و آیین مراسم کشتی گيله مردی در فرهنگ گیلان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۲ و ۲۳.

ج) تارنمای مجازی

پایگاه اطلاع رسانی اداره کل ورزش و جوانان استان گیلان
www.gilan.msy.gov.ir
«تعریف و تاریخچه‌ای از ورزش کشتی و چگونگی آن» در پایگاه اطلاع راسخون:
<http://rasekhoon.net/article>

د) فرهنگیاران

عباسی، سیروس، رودسر، گیلان، ۱۳۴۱

هـ) مصاحبه

اسماعیل پور، حسین، مطلع محلی، گیلان، ۱۳۹۲

نویبان، میثم، کشتی گیر، گیلان، ۱۳۹۲



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی